

● مهدکودک، زمینه وجود بچه‌های دیگر را در محیط اطراف برای بچه اول عادتر می‌کند و او می‌تواند نکات مثبتی را که در خلال بازی یا برخورد با همسالان خود می‌آموزد، در روابط خواهر و برادری خود نیز به کار گیرد.

آمارهای به دست آمده، به این نتیجه رسیده‌اند که افراد مشهور جهان اکثراً فرزند اول خانواده بوده‌اند. فرزندان ارشد غالباً کمال‌گرایند، آرمانها و اهداف بزرگی در سر می‌پرورانند، معمولاً می‌توانند رهبران خوبی باشند و بیشتر گرایش دارند که مثلاً وکیل مدافع باشند تا یک شاعر.

امروزه، به ویژه سه عامل، مشخصه‌های شناخته‌شده مربوط به بچه‌های ارشد را کاملاً تحت‌الشعاع قرار داده است. اولین عامل،

جواب او متوجه شدم که فکرها و ایده‌های بزرگی در سردارد. می‌خواست «رئیس جمهور» شود. چه کسی! پسر کوچکی که حتی نمی‌تواند توپ فوتبالش را درست کنترل کند. حتی شک داشتم که بتواند در آینده رئیس یک اداره کوچک شود، چه رسد به رئیس جمهور. اما بعدها بیشتر در رفتار او دقیق شدم و فهمیدم که پسر می‌تواند مرد موفقی شود. بیش از یک قرن است که محققان طبق

امروزه با افزایش تعداد مادران شاغل و تعداد کودکان در مهدکودکها، شکل‌گیری شخصیت فرزند ارشد، به ویژه در سالهای اول رشد دچار تحولاتی شده‌است. باید دید که این تحولات چگونه بر شخصیت این کودکان تأثیر می‌گذارد. ❏

روزی با پسر ده‌ساله‌ام در مورد کارها و مشاغل مختلف حرف می‌زدیم. از او پرسیدم که دلش می‌خواهد بعدها چه کاره شود؟ از

# بچه بزرگتر!

لیندا بورنستین  
ترجمه ندا سهیلی



● یکی از دلایل پیچیدگی شخصیت فرزند ارشد، این است که والدین از او انتظارات فراوانی دارند. آنها انتظار بیشتری دارند و کودک تلاش بیشتری به خرج می‌دهد.



مادران شاغل است که تعدادشان روبه فزونی است. بچه روزه‌روز توجه کامل و دقیق مادر را از دست می‌دهد. عامل دوم تمایل والدین به داشتن فرزند کمتر است که موجب می‌شود فرزند کوچکتر نیز به اندازه فرزند ارشد مورد توجه و رسیدگی قرار گیرد. عامل سوم ازدواج مجدد والدین است که در آن صورت موقعیت بچه ارشد تا حد زیادی تغییر خواهد کرد.

محبت دارند. مادرائی که از ازدواج سابق خود فرزندان دارند، غالباً به فرزند جدیدشان وابستگی خاصی پیدا می‌کنند. حتی گاهی احساس می‌کنند دقیقاً هیجانانگیز بچه اول را دارند. در واقع بچه‌ای که پس از ازدواج مجدد به دنیا می‌آید، اکثراً مانند بچه دوم رفتار می‌کند. او سعی دارد رفتار بچه بزرگتر را تقلید کند و عیناً مانند او باشد.

### خانواده کوچکتر

پدر و مادرها معمولاً آرزوها و خواسته‌هایشان را در فرزند ارشد متجلی می‌بینند، خصوصاً اگر این فرزند پسر باشد. بچه ارشد همیشه به طور خاص مورد توجه و محبت قرار می‌گیرد، از آموزشهای ویژه بهره می‌برد و از آنجایی که موفقیت او در خانواده بازتاب زیادی دارد، همیشه تحت فشار است تا هرکاری را به نحو احسن انجام دهد.

### مادران شاغل

در زمانی که چندین دور، که مادران بیشتر در خانه می‌مانند تا بچه‌هایشان را بزرگ کنند، بچه‌های اول اغلب تماس کمتری با سایر کودکان داشتند و به جز مواردی که با عموزاده‌ها یا خاله‌زاده‌ها، دوستان و یا همسایه‌ها برخورد داشتند، دنیای آنها تا حد زیادی با دنیای افراد بزرگسال آمیخته بود. در نتیجه این کودکان می‌آموختند که رفتار و منش بزرگترها را تقلید کنند و مانند آنان رفتار کنند و بی‌جهت نیست که مردم غالباً فرزند اولشان را «پخته‌تر» می‌دانند. امروزه چون بسیاری از مادران شاغلند، بچه اول معمولاً مهدکودک می‌رود و در آنجا مدام با بچه‌های دیگر در تماس است. محققین می‌گویند بچه‌هایی که این گونه بزرگ می‌شوند، شباهت بیشتری به خواهر و برادر کوچکتر خود دارند. آنها می‌آموزند که جهان را از چشم سایر کودکان نظاره کنند و تمایل کمتری به تقلید رفتار بزرگترها دارند و دلشان نمی‌خواهد بیشتر وقت خود را با بزرگترها بگذرانند. کودکانی که روزی در مهدکودک می‌گذرانند، از سنین پایین مهارت‌های اجتماعی بیشتری از قبیل شراکت با سایرین و کارهای گروهی کسب می‌کنند. تحقیق در مورد خردسالان نشان می‌دهد که بچه‌های ارشد که در مهدکودک بزرگ شده‌اند، ورود خواهر یا برادر جدید را بهتر و راحت‌تر می‌پذیرند. در واقع محیط‌هایی مانند مهدکودک، زمینه وجود بچه‌های دیگر را در محیط اطراف برای بچه اول عادیتر می‌کند و او می‌تواند نکات مثبتی را که در خلال بازی یا برخورد با همسالان خود می‌آموزد، در رابطه خواهر و برادری خود نیز به کار گیرد.

### مشخصه‌های پایدار

علی‌رغم تغییراتی که در خانواده‌های امروزی رخ داده است، نتایج تحقیقاتی که در مورد خصوصیات فرزند ارشد در صد سال اخیر صورت گرفته، همچنان به قوه خود باقی است. برخی خصوصیات ویژه فرزندان ارشد چنین است:

کسب پیروزی: یکی از دلایلی که فرزند ارشد شخصیت پیچیده‌ای دارد، این است که آنهایی که برای بار اول پدر و مادر می‌شوند از کودک خود انتظارات فراوانی دارند. البته این بدان معنی نیست که پدر و مادر عمداً سعی دارند کودک را تحت فشار قرار دهند.

در واقع بی‌تجربگی و ذوق‌زدگی باعث می‌شود که والدین به نوعی فکر کنند بچه ارشدشان قادر است هرکاری را انجام دهد. طبیعتاً کودک هم می‌خواهد آنها را راضی کند و به خواسته‌های آنان جامه عمل بپوشاند. بدین ترتیب گردش دایره‌وار شروع می‌شود: انتظار بیشتر، تلاش بیشتر.

مسئولیت‌پذیری: زمانی که کارهای خانه را تقسیم می‌کنیم، کدام یک از اعضای خانواده می‌تواند با اطمینان خود را کسی بداند که پدر و مادر مشکلترین کارها را به او سپرده‌اند؟ البته بچه ارشد. اطرافیان فکر می‌کنند می‌توانند کاملاً روی او حساب کنند، چون او بچه بزرگ خانه است و در نهایت تمام این مسئولیتها را می‌پذیرد، چون در هر حال مهارت و توانایی او از خواهر و برادر کوچکترش بیشتر است. زمانی هم که برای خوب انجام دادن کارش، مورد تشویق و تمجید قرار می‌گیرد، دوست دارد همه او را بسیار «قابل اعتماد» بشناسند. به همین دلیل است که این بچه‌ها اغلب توانایی دستیابی به پستهای مهم و آمادگی قبول مسئولیت بیشتر را

اکنون خانواده‌ها، نسبت به سابق، فرزند کمتری دارند. در واقع والدین به این نتیجه رسیده‌اند که بهتر است با داشتن بچه کمتر، توجه و رسیدگی خود را به طور یکسان بین کودکان خود تقسیم کنند. امروزه بچه‌های دوم و حتی سوم نیز توجه زیادی می‌بینند، مانند رفتن به کلاس موسیقی یا زبان و داشتن امکانات کمک درسی، درست به اندازه بچه اول. به همین خاطر است که پدر و مادر می‌توانند بر تکالیف همه بچه‌ها نظارت داشته باشند و دروس آنها را کنترل کنند و بدین ترتیب فرزندان دوم و سوم نیز می‌توانند به اندازه فرزند ارشد، موفقیت کسب کنند.

### ازدواج مجدد

زندگی در خانواده‌ای که یکی از طرفین ازدواج مجدد داشته، ممکن است خصوصیات و موقعیت بچه اول را تغییر دهد. زمانی که هریک از والدین، بچه خود را به زندگی جدید وارد می‌کنند، ترتیب تولدها به هم می‌ریزد و این امر خواه‌ناخواه نتایج خاصی به بار می‌آورد.

خانمی می‌گفت: «زمانی که ما ازدواج کردیم چون شوهرم یک دختر بزرگ داشت، دختر بزرگ من در مقام دوم قرار می‌گرفت. او بین بزرگتر و کوچکتر گم می‌شد و این حالت، اعتماد به نفس او را به شدت خدشه‌دار کرده بود.»

این جریان وقتی پیچیده‌تر می‌شود که والدین جدید بخواهند فرزند جدیدی نیز داشته باشند. نوزادی که با این شرایط متولد می‌شود، برای این پدر و مادر حکم فرزند ارشد را دارد اما به گونه‌ای متفاوت. زمانی که بچه جدید به دنیا می‌آید، کودک یا کودکان دیگری هم در محیط هستند که نیاز به توجه و

دارند.

کمال‌طلبی: تمایل به کسب کمال در هر چیز، از میل آنها به راضی کردن ما ناشی می‌شود. به عبارت دیگر آنها تا حد زیادی سختگیر می‌شوند و درکارها و رفتارشان نوعی وسواس به خرج می‌دهند که تنها عامل آن توقع بالا و بیش از حد والدین آنهاست. به همین سبب آنها درآینده مدیران سختگیری می‌شوند و از زیردستان خود انتظار دارند که کارشان را کامل، و دقیقاً به همان روش مشخصی که از آنها خواسته شده، انجام دهند.

نیاز به تسکین: کسانی که برای بار اول پدر و مادر می‌شوند، معمولاً نمی‌گذارند بچه زیاد گریه کند. مادری می‌گفت: «به محض اینکه دخترم صدایش درمی‌آمد، برای آرام کردنش از جا می‌پریدم.» زمانی که فرزند دوم او به دنیا آمد او خیلی راحت‌تر با قضیه برخورد کرد و به بچه فرصت می‌داد تا خودش ساکت شود. نتیجه آن شد که بعدها زمانی که بچه بزرگتر، عصبانی و ناراحت می‌شد، نیاز به آرام کردن و دل‌داری داشت اما بچه کوچکتر خودش با مسأله کنار می‌آمد. زندگی آرام: از آنجایی که فرزندان ارشد زمان بیشتری را با بزرگترها می‌گذرانند، برای پذیرش مسئولیت آمادگی بیشتری دارند. آنها به طور کلی با بزرگترها و معلمان خود بهتر کنار می‌آیند، قابل اطمینان هستند و مسئولیت محوله را خوب انجام می‌دهند. به نظر می‌رسد که این کودکان در زمینه‌های مختلف، کمتر حالت سرکشی و طغیان دارند و بیشتر مایلند زندگی آرام و بی‌دغدغه‌ای داشته باشند. ■

### چند توصیه:

رابطه والدین با بچه اول نکات مثبت و منفی بسیاری دارد. شاید شما در برخورد با فرزند ارشدتان بیشتر اوقات عصبی شوید، یا خود را کاملاً وقف او کنید و یا شخصیت و خصوصیات او را درک نکنید. این توصیه‌ها به شما کمک می‌کند که با او رابطه بهتری برقرار کنید:

- آرام باشید: سعی کنید هر بار که کودک برای انجام کاری غر می‌زند و نمی‌تواند از عهده آن برآید، عصبانی نشوید و کمی کوتاه بیایید. او مدتی وقت لازم دارد تا بداند چگونه کارهای خود را انجام دهد. اگر بگذارید خودش بعضی کارهای ساده و پیش‌پا افتاده را انجام دهد، برای هر دو شما بهتر است.

- واقع‌بین باشید: فرزند اول برای شما موجودی خارق‌العاده است. حتی گاهی فکر می‌کنید او بسیار باهوش است. این اطمینان شما، اعتماد به نفس او را بالا می‌برد اما مواظب باشید زیاده‌روی نکنید. اگر توقعات شما بیش از حد معمول شود، او برای دستیابی به آرزوهای بلندپروازانه شما شکست خواهد خورد. درواقع او از خواهر و برادر کوچکترش، مهارتها و قابلیت‌های بیشتری دارد. او اولین کسی است که می‌تواند خودش لباسش را بپوشد، کفشش را پا کند و درکارهای خانه به شما یاری رساند. بنابراین منطقی است اگر مسئولیت بیشتری به او واگذار کنید. در ضمن متوجه بزرگ شدن بچه‌های دیگر و تغییر موقعیتشان باشید.

- تمرینات لازم: کودکی که روز را در مهدکودک سپری می‌کند؛ ضمن بازی، شراکت و رعایت حق دیگران را می‌آموزد و یاد می‌گیرد که چگونه با دیگران کنار آید. اگر کودک شما مهدکودک نمی‌رود و روز را بیشتر با شما و دیگر بزرگسالان می‌گذراند، سعی کنید این اصول را در خانه به او بیاموزید. اگر با او بازی می‌کنید، نوبتش را رعایت کنید، یا مثلاً یک کیک کوچک را بین او و عروسکش به طور مساوی تقسیم کنید. وقتی با بچه‌های فامیل یا دوستانش بازی می‌کند، به او بگویید که باید اسباب بازیهایش را به آنها هم بدهد و احساس و طرز فکر سایر کودکان را برایش توضیح دهید تا او بتواند در آینده مهارت‌های اجتماعی خود را بهتر پرورش دهد.

## تقویت‌های موی سر دینه



سرشار از ویتامین‌های طبیعی و املاح معدنی  
برای سلامت، طراوت و جلوگیری از ریزش  
غیرعادی موی سر

# ...و این بار تیشه شیرین بر سنگ

گفت‌وگو با سیمین اکرامی مجسمه‌ساز معاصر



نبینند و طرح، علاوه بر هماهنگی با فرم طبیعی سنگها، با طراحی عمومی پارک نیز تناسب داشته باشد تا نقش سنگها نشانگر خلاقیت آدمی و نقش طبیعت باشد. کار روی چهار سنگ به طور همزمان از اول خردادماه ۷۳ آغاز شده است.»

کار، هر روز از صبح تا شام ادامه دارد. زنی هنرمند بر دامنه کوه با سنگهای بزرگ می‌ستیزد تا نقش آدمی بر طبیعت جاودانه بماند. در پارک جمشیدیه اکنون از پایین دژه، تخته سنگی با دو حفره نمایان می‌شود اما کمی بالاتر، خرطوم ۱۲ متری فیلی را می‌بینیم که از دل خاک و سنگ برآمده است.

بالاتر، در پس تخته سنگی که به مشت انسان شبیه است؛ جغد سنگی، آرام و خاموش نشسته است: «جغد را طبیعت ساخته بود، ما هم از دور آن را تشخیص دادیم، جغدی زیبا و جذاب بود اما سنگ در برابر تغییرات سخت بود و به آسانی تن به طرح من نمی‌داد. در جریان کار چندین بار نوکش افتاد و مجبور شدیم دوباره سنگها را بتراشیم. پوسته نازک و قرمز روی سنگ را که برداشتیم، جغد با دو لکه سبز و قرمز نمایان شد و ترکیبی زیبا از رنگها به وجود آورد که جغد را زیباتر کرد.»

خرس نیمه خفته نیز کمی بالاتر از مجسمه جغد، با چهره و اندامی سبز فضای کوهستان را تسخیر می‌کند.

اکرامی در مورد مجسمه چهره انسان می‌گوید: «چهره انسان تا حدی به انتزاع میل کرده است و این فرم به سبک خودم شباهت دارد.»

داشتن فرزندان خردسال، فعالیت هنری نداشتم اما این به معنای جدایی کامل از هنر نبود. در این سالها مطالعه و تجربه پیگیر در فضای خانه‌ای که مباحث فرهنگی از جمله مباحث اصلی آن بود، زمینه‌ساز ارتقای من شد و پس از آن با اندوخته روحی و ذهنی بالایی کار خود را دوباره از سر گرفتم.»

در این دوره او از چوب، گچ، سنگ و برنز آثاری نو خلق کرد: «از سال ۶۶ به بعد که کار حرفه‌ای خود را دوباره از سر گرفتم، ماکت مجسمه آرم پست مکانیزه شیراز را از فولاد ساختم که البته طرح در حد ماکت متوقف شد. در سال ۷۰ به سفارش شهرداری تهران، مجسمه برنزی آرم سازمان نوسازی شهر تهران و در سال ۷۲، مجسمه برنزی زمین را بر اساس نقشه ابوریحان بیرونی ساختم. مجسمه زمین قرار است در پایون دولت فرودگاه مهرآباد نصب شود.»

سیمین اکرامی در تابستان ۷۳، به دعوت شهرداری تهران، طراحی و نظارت بر اجرای ساخت پنج مجسمه سنگی جغد، فیل، خرس، چهره و مشت انسان را در پارک جمشیدیه بر عهده گرفت: «بر هر یک از این سنگها در گذر سالیان دراز طرحهایی نقش بسته است و طرحهای من نیز باید در راستای تکمیل فرم طبیعی سنگها باشد. کوشش بر آن است که اجرای طرحها چنان باشد که سنگها آسیب

پارک جمشیدیه از دامنه البرز تا ارتفاع ۲۱۰۰ متری به سوی قله گسترش می‌یابد. در گستره ۲۵ هزار هکتاری پارک جمشیدیه، ذهن و دست خلاق مجسمه‌سازان هنرمند از دل سنگ نقش برمی‌آورد و این بار نه فرهاد، که شیرین با زبان تیشه با سنگ سخن می‌گوید و خلاقیت آدمی را در مجسمه‌های سنگی بزرگ جاودانه می‌کند. ❦

سیمین اکرامی مجسمه‌ساز معاصر، پنج تخته سنگ بزرگ، با بلندی چهار و نیم تا نه متر در اختیار دارد تا آنچه را باد و باران در طول قرن بر این سنگها نقش زده‌اند، تکمیل کند و بر اساس طرح طبیعی، ترکیب‌بندی و ساخت کلی سنگها، نقشهای با معنایی بیافریند که حکایت از خلاقیت و ذوق هنری دارد. اکرامی می‌گوید: «سه سال در رشته مجسمه‌سازی دانشگاه ایالتی مورگان در مریلند آمریکا درس خواندم و پس از آن در دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران به تحصیل در این رشته ادامه دادم و همزمان با استادانی چون پرویز تناولی کار کردم. در سال ۵۳ با بهرام دبیری که در آن زمان دانشجوی رشته نقاشی بود، ازدواج کردم و پس از آن هر دو در کارگاه مشترکمان کار می‌کنیم. در فاصله سالهای ۵۵ تا ۶۶ به دلیل



● زنان در مناصب عالی قوه مجریه مشاهده نمی شوند و این غیبت ناشی از تصریح عبارت «رجال سیاسی» در شرایط انتخاب ریاست جمهور است که طبعاً در تفویض سایر مناصب عالی به زنان ایجاد مانع کرده است.

در ۱۵ سال اخیر چنان بوده و هست که صاحبان طرزفکرهای مختلف برای یافتن راه حل فعال شده اند و می خواهند حقوق زن را از بن بست بیرون بیاورند. نجات دهند.

و رود به این مطلب و بحث پیرامون برخی جلوه های آن، جلسه را به تشنج کشید و جمعی از زنان هموطن مقیم خارج از کشور از ادامه بحث که در شکل تحلیلی و جامعه شناختی می توانست مفید باشد، جلوگیری کردند و جلسه سخنرانی را به جلسه ای برای اعلام شعار از بلندگوها و هتاک و افترا زنی و انواع دیگری از واکنشها که ذکر آن را لازم نمی دانم، تبدیل کردند. بی آنکه درباره نحوه برخورد آنها داوری کنم، علاقه مند هستم متن مقاله ای را که تحت تأثیر جو متشنج ناشی از رفتار تنی چند از شرکت کنندگان در کنفرانس، مجال ارائه درست را به دست نیاورد، به چاپ برسانم. لذا متن ارسال می شود تا چنانچه مسئولین آن نشریه محترم، چاپ آن را مفید تشخیص دهند، اقدام بفرمایند.

زنان ایران در دو مرحله پدیداری و نهادینه شدن انقلاب به ایفای نقشهای گوناگون سیاسی برانگیخته شدند. آنها که در مرحله پدیداری و شکل گیری انقلاب با شیفتگی حضور یافتند، در مرحله نهادینه شدن انقلاب که با استقرار ضوابط جدید شروع شد، متوجه مسائل مرتبط با جنسیت خود شدند و به این باور رسیدند که نیروهای سنتی به لحاظ تأکید بر مبانی جنسیتی، ادامه حضور آنها را در امور تحمل نمی کنند.

سردبیر محترم مجله زنان

با سلام، همان گونه که اطلاع دارید، اینجانب بنا به دعوت بنیاد پژوهشهای زنان ایران در تابستان سال جاری، در دانشگاه یو. سی. ال. لوس آنجلس حضور یافته و در کنفرانس «زن و سیاست» شرکت کردم و به ایراد سخنرانی پرداختم. مضمون مقاله تحلیلی من عبارت بود از: «بررسی نقشهای حضور سیاسی زنان در امور و نتایج آن از ۲۲ بهمن ۵۷ تاکنون». این بررسی بدون موضع گیری سیاسی، از نوعی که رایج و متداول و مرسوم است، انجام شده است زیرا به عقیده من حقوق زن در کلیت خود تعیین کننده است و نیازی نیست تا در پناه ایدئولوژیهای سیاسی از آن دفاع کنیم. از این دیدگاه طبعاً از نقش حضور سیاسی زنانی هم که در جریان امور سیاسی سالهای ۵۷ به بعد حضور یافته و با سیاستهای رسمی موافق بوده اند، سخن رفته است. بررسی، حامل این نتیجه گیری است که زنان ایران به طور کلی دارای چنان ظرفیت بالقوه سیاسی شده اند که در تحولات آینده تعیین کننده خواهند بود. حضور زنان سنتی در مجامع سیاسی، هر چند در شکل های غیر حزبی و پراکنده، این بخش از زنان را در گذار زمان به یک نیروی توانمند سیاسی تبدیل کرده است و مشاهدات عینی و شخصی نگارنده، حکایت از آن دارد که آنها نیز راجع به حقوق زن و کاستیهای آن به شدت حساس شده اند و حساسیت خود را در جریان دادرسیهای مربوط به اختلافات زناشویی در دادگاهها و سایر مراجع قانونی بروز می دهند. حاصل سخن اینکه واکنشهای زنان و برخوردهای سیاسی موافق و مخالف آنها با مسائل مرتبط با جنسیتشان

## حقوق سیاسی

در مقابله با این عوامل بازدارنده که بخشی از حقوق مکتسبه زنان را مخدوش می ساخت؛ زنان معترض، لب به اعتراض گشودند و در جریان تحولات سیاسی در مواضع مختلف قرار گرفتند. بدین ترتیب نیروی سیاسی زنان که تا پیش از شکل گیری انقلاب نهفته بود، از قوه به فعل درآمد. آنها در دو جبهه، گاهی همسو با ارزشها و ضوابط اعلام شده سیاستهای رسمی و گاهی در اعتراض و مقابله با آن به فعالیت پرداختند، به حدی که در دوران حساسی از حیات سیاسی ایران که آمیخته با بحران و جنگ بود، نقش نیروی زنان شاخص شده است. اینک زنان نتایجی را که حاصل تلاشهای فردی و جمعی آنهاست، به چشم می بینند. صاحب نظران و طراحان برنامه های سیاسی، چه در خارج و چه در داخل کشور، متقاعد شده اند که نباید نیروی زنان را در محاسبات خود نادیده بگیرند. به سخن دیگر، اهل سیاست تحت تأثیر رفتارهای سیاسی - اجتماعی زنان قرار گرفته و به این نتیجه رسیده اند که در ایران امروز، بدون جلب و جذب نیروی زنان و توجه



● به جرأت می‌توان گفت زنان ایران بیش از سایر زنان توانسته‌اند مدیران سیاسی کشور خویش و همچنین مخالفان آنها را متوجه و متقاعد کنند که زنان نیروی تعیین کننده در رویدادهای سیاسی هستند و نمی‌توان آنها را نادیده گرفت.

حضور زنان سنت‌گرا در صحنه‌های مختلف، جنبه کاملاً شرعی به خود گرفته است و حتی آنان را به انگیزه ایفای تکلیف شرعی به صحنه‌ها کشانده است. این حضور، بی‌آنکه به داوری درباره تمام جهات آن پردازیم، در مسیر زمان اثری شگرف بر مسأله ممنوعیت خروج زن از خانه بدون اجازه شوهر و انزوای او در چارچوب امور خانگی به جا گذاشته است. در جریان انقلاب، شاهد حضور امواج خروشان زنانی بودیم که تا پیش از آن، شرکت در اجتماعات را جزو وظایف خود نمی‌دانستند و در حصار غیرقابل نفوذ خانواده، نیروهای بالقوه‌ای بودند که به راحتی در صحنه‌های اجتماعی جلب و جذب نمی‌شدند. این تکلیف شرعی سلطه بلامنازع ریاست خانواده را جداً متزلزل کرد و تا حدودی از میزان سلطه‌پذیری زنان سنت‌گرا کاسته شد. برای ایفای تکلیف شرعی، مردان سنت‌گرا، زنان خود را از حضور در فضای سیاسی، که بی‌دبی بدان مکلف می‌شدند، منع نمی‌کردند. آنان از این حضور دل‌نگرانی هم نداشتند چرا که آن را مخلّ مبانی عقیدتی خود نمی‌دانستند.

در کنار امواج خروشان زنان باحجاب که انقلاب را همراهی می‌کردند، گروه دیگری از زنان که پیشین متفاوتی داشتند و از دوران پیش از انقلاب در امور اجتماعی و علمی مشارکت می‌کردند، نیز در نهایت همدلی و همسویی حضور می‌یافتند و جمعی از آنها برای ایجاد رابطه مؤدت‌آمیز با انبوه زنان باحجاب و برای آنکه از هر نوع برخورد دیدگاهی در مرحله حساس پدیداری انقلاب پرهیز کرده باشند، در بسیاری از تظاهرات انقلابی از پوششهایی نظیر روسری هم استفاده

به خواسته‌های آنان نمی‌توان حکومت کرد، همچنان که نمی‌توان داعیه حکومت را در سر پروراند. بنابراین زنان در عرصه اندیشه و فکر سیاسی که متمایل به دگرگونی در سنتهای کهن است، حضور یافته‌اند و حتی خاطر کسانی را که نمی‌خواهند شرایط زمان و مکان را به نفع تأمین حقوق سیاسی زنان در نظر بگیرند، پریشان کرده‌اند.

در این گزارش ضمن آنکه آمار نشان می‌دهد که مشارکت زنان ایران در مدیریت امور کشور بسیار اندک است، تأکید می‌شود که توجه به حقوق زنان در شکل‌گیری اندیشه سیاسی متمایل به حفظ قدرت یا متمایل به کسب قدرت به سرعت روبه‌فزونی است. بررسی مطبوعات ایران به خوبی نشان می‌دهد که زنان در مرکز مذاکرات و بحثهای درون حکومتی در آمیخته با برخوردهای ذهنی و دیدگاهی قرار دارند و بررسی مطبوعات ایرانی خارج از کشور نیز به خوبی نشان می‌دهد که زنان در مرکز توجه مخالفان سیاسی قرار گرفته‌اند. با آنکه در آستانه سال ۲۰۰۰ میلادی برنامه‌های تدوین شده‌ای در امر اعتلای موقعیت زنان ایران در اختیار نداریم اما به جرأت می‌توان گفت که زنان ایران بیش از سایر زنان توانسته‌اند مدیران سیاسی کشور خویش و همچنین مخالفان آنها را متوجه و متقاعد کنند که زنان نیروی تعیین کننده در رویدادهای سیاسی هستند و نمی‌توان آنها را نادیده گرفت.

علی‌رغم این زمینه مساعد، تدوین برنامه در امر اعتلای موقعیت زنان و تدارک آمادگی برای حضور وسیع آنها در مدیریت جامعه بسیار دشوار شده است، که باید در قالب انواع بحثها مورد مطالعه قرار گیرد. ماهیت این برخوردهای دیدگاهی درباره حقوق زن، در شرایط کنونی

# زن در ایران از بهمن ۵۷ تا امروز

مهر انگیز کار

می‌کردند. رفتار سیاسی این گروه و اصرار و شیفتگی آنها بر همدلی و همسویی با گروه اول، طبعاً به این تعبیر شد و می‌شود که آنان نیز لااقل با بُعد عقیدتی انقلاب، سرسبز نداشتند. بنابراین زنان، در پیکره انقلاب با گرایشهای گوناگون ظاهر شدند و بدین سان عصر جدیدی در زندگی زنان ایران پدیدار شد که اینک ۱۵ سال از آغاز آن می‌گذرد و می‌توان گفت که تشکیل این کنفرانس یکی از مظاهر نمادین این عصر است.

ب: نهادینه شدن انقلاب:

هر چند که عصر حاضر را می‌توان تا حد زیادی متأثر از حضور پررور زنان دانست اما در گذار زمان، شرایطی به وجود آمد که برخی از حقوق مکتسبه زنان را سلب کرد و زنان را خشمگین و معترض ساخت. در عین حال نتایج قانونی و عملی خاصی به وجود آمد که جمع دیگری را خشنود نمود. در نتیجه زنان ایران در ۱۵ سال اخیر بیش از سالهای دیگر قرن

ایجاب می‌کند که این موضوع از بُعد دینی هم مورد نقد و بحث قرار گیرد و بینشهای متفاوت فقهی را در موضوع مهم و حساس حقوق زن مطرح سازد. کاملاً مسلم است که زنان با ورود به عصر جدید (از ۲۲ بهمن ۵۷ تا کنون) که به زندگی سیاسی آنها بُعد عقیدتی و دینی هم داده است، دیگر نمی‌توانند فارغ از بینشهای دینی، موقعیت خود را اعتلا و شرایط زیست خود را تغییر دهند.

◀ ورود به عصر جدید

الف: پدیداری انقلاب

هر انقلابی دارای ابعاد سیاسی، اجتماعی و اقتصادی خاصی است و بر مبنای فکری مشخصی استوار است. انقلاب ایران ضمن دارا بودن این ابعاد، به لحاظ رهبری مذهبی آن، از بُعد مذهبی گسترده‌ای هم برخوردار بود که به تمام زوایای سیاسی، شکل اعتقادی بخشید. در جریان انقلاب به مناطق حساس زمانی برخورد می‌کنیم که

بیستم، متوجه مسائل مهم و اساسی مرتبط با جنسیتشان شده‌اند و نسبت به آن واکنش نشان داده‌اند. گرایشهای سیاسی عام که در قالب شعارهای ضداستبدادی و ضداستعماری، زنان را مانند مردان در جریان انقلاب مجذوب خود کرده بود؛ در گذار از مرحله پدیداری، جای خود را به گرایشهای سیاسی خاص در جهت تأمین حقوق زنان سپرد. در این تحولات، زنان معترض با هدف تأمین حقوق خود در برابر برخی ضوابط جدید و در حال استقرار، به موضع‌گیری جمعی، که لزوماً حزبی نبود، پرداختند. این‌گونه موضع‌گیریها، بلافاصله بعد از اعلام ضرورت حفظ «حجاب» و لغو «قانون حمایت خانواده» و سلب «حق قضاوت» از زنان پدیدار شد. اما چون حجاب در اصول جمهوری اسلامی، جایگاه حساس و مهمی را به خود اختصاص داده و از جمله مهمترین موازن فقهی که جمهوری اسلامی منادی آن است اعلام شد و ضمناً حق قضاوت زنان و قانون حمایت خانواده نیز از دیدگاه فقهای جمهوری اسلامی مغایر احکام شرع تلقی شد؛ در نتیجه این‌گونه موضع‌گیریهای زنان معترض نهادینه نشد و جای خود را به حضور و مقابله موضعی و پراکنده آنان در مراکز مختلف اجتماعی سپرد و به تدریج گرایشهای عام سیاسی هم از آن زدوده شد. جنگ عراق با ایران به این واکنش پایان بخشید و مشکلات جنگ چنان گسترده شد که جایی برای بیان گرایشهای مربوط به حقوق زن به مفهوم



خاص آن باقی نماند. در دوران جنگ زنان معترض فضای مناسب برای بیان گرایشهای خود به مفهوم خاص آن در اختیار نداشتند و نقش زنانی که همسو با سیاستهای رسمی در تحکیم اهداف حکومت به فعالیت برانگیخته شده بودند، وسیع و گوناگون شد. آنچه مسلم است پس از خاتمه جنگ، تا حدودی شرایط فرهنگی برای بیان احوال زنان مهیا شده است اما نحوه برخورد با زنان در آغاز ورود به عصر جدید، ما را به این اندیشه وامی‌دارد که آیا در جریان این تحولات، حتی اگر حاوی بار مثبت آتی و آتی باشد، زنان در موقعیت شایسته خود قرار گرفته‌اند؟ در چنین شرایطی است که نقش زنان متفکر ایرانی برجسته می‌شود. دقت در اتخاذ تدابیر مناسب از سوی زنان متفکر و دوری از احساسات تند و لجام گسیخته، به آنان مجال می‌دهد تا به‌طور دقیق موقعیت زنان را ارزیابی کنند و در انتخاب استراتژی، در جریان تندباد حوادث قرار نگیرند. زنان متفکر، در داخل و خارج کشور، بر وضع خویش آگاهند و شاید به این باور رسیده‌اند که هر چند زنان، پیکره انقلاب را با شور و شیفگی آراستند و به عصر جدید گام نهادند، اما حال در برخورد با شرایط زیست در عصر جدید ناگزیرند از برخوردهای سطحی و غیرمنطقی اجتناب کنند و به یاری عقل و خرد،

متناسب با فرصتها و امکانات، شرایط را به نفع خواسته‌های حقوقی خود تغییر دهند.

### ◀ مشخصات کلی عصر جدید

مشخصات کلی این عصر تحت سه عنوان بررسی می‌شود:

#### ۱- تعریف «حقوق زن»:

برخورد دیدگاهها و بینشها راجع به حقوق و حق حضور، مداخله و مشارکت وسیع زنان در امور، چنان بحران و آشفتگی ایجاد کرده است که دستیابی به یک تعریف جامع و مانع از «آزادی زن» را غیرممکن می‌سازد. به عبارت دیگر هر کس از ظن و گمان خود، تعریفی از حقوق زن ارائه می‌دهد که این تعاریف خواسته‌های گوناگون زنان را تأمین نمی‌کند.

در ایران امروز هیچ یک از مسئولان کشور، آشکارا علیه حقوق زن موضع‌گیری نمی‌کنند، زیرا همه تحت تأثیر عملکرد زنان در عصر جدید قرار گرفته‌اند. اما مشکل اصلی آن است که هر کس از دیدگاه خاص خود، حقوقی را برای زن توصیف می‌کند: جمعی خصوصیات جسمی زن را گواه می‌آورند و حفظ حقوق انسانی او را در گرو مراعات این ویژگیها و انواع قیود و محدودیتها ممکن می‌دانند. جمعی دیگر نقش مادرائه زن را برجسته می‌کنند و با حضور مساوی زن و مرد

● مسلم است که زنان با ورود به عصر جدید که به زندگی سیاسی آنها بُعد عقیدتی و دینی هم داده است، دیگر نمی‌توانند فارغ از بینشهای دینی، موقعیت خود را اعتلا و شرایط زیست خود را تغییر دهند.

در جامعه بدین دلیل مخالفت می‌کنند که مبدا به ایفای این نقش خدشهای وارد شود. جمعی نیز بر این باور پافشاری می‌کنند که اساساً ادامه محرومیت زنان از مناصب سیاسی، توجیه شرعی و اعتقادی دارد. برخی نیز از یک سو به خاطر آنکه به مذهب وفادارند و از سوی دیگر به خاطر آنکه موقعیت زنان را در دنیای حاضر مورد ارزیابی قرار می‌دهند، در صددند با تمسک به فقه پویا و درک شرایط زمان، برای «حقوق زن»، تعاریف جدید ارائه دهند تا با کاروان توسعه هماهنگ شوند. اینان به واقع در جاده‌ای صعب‌العبور گام می‌زنند زیرا به آسانی نمی‌توان سنت مستحکم گذشته را ویران کرد و وارد فضای جدید شد. از طرف دیگر تلاش مقید مذهبی این گروه در همه حوزه‌ها با مفاهیم آزادیخواهانه جهانی سازگاری ندارد و برخورد ارزشها، به بحران دامن می‌زند. به خصوص که دیدگاه اخیر هنوز موضوع را از طرق فرهنگی، به صورت بحثهای وسیع فقهی، حقوقی و اجتماعی توضیح نداده و با سایر دیدگاهها به بحث و تبادل نظر ننشسته است.

در کنار این تفکرات و دیدگاههای نوعاً بومی، آثار و نمونه‌هایی از یک جریان فکری در طبقه تحصیلکرده جامعه مشاهده می‌شود که حقوق زنان را آنچنان که در جوامع غربی مطرح است، مورد بحث قرار



می‌دهند. این جریان نیز دارای طرفداران آشکار و نهانی است که بی‌شک در مباحثات مربوط به حقوق زن در ایران امروز بی‌تأثیر نخواهند بود.

در شرایطی که برخوردهای دیدگاهی، در نحوه تعریف حقوق زن آشفتگی ایجاد کرده است و از آنجا که هیچ‌یک از این دیدگاهها تاکنون غالب نشده است؛ رسالت فرهنگی زنان متفکر برای سامان بخشی به این آشفتگی بسیار خطیر و برجسته به نظر می‌رسد. اگر آنان ضمن فعالیت و وسیع فرهنگی برای بهره‌برداری از برخوردهای دیدگاهی و تقویت آن دسته از تعاریف که می‌تواند به دیدگاههای مفید به حال زنان جهت غالب بدهد، فعال شوند و یک نهضت فرهنگی زنان پایه‌ریزی کنند، تا از زوایای مختلف به طرح کاستیهای حقوق خود بپردازند، در این صورت زنان خود تعریف‌ساز خواهند شد.

## ۲- حضور سیاسی زن در «حقوق بشر»:

حقوق زن به عنوان یک مفهوم جهانی، جایگاه شاخصی را در موازین بین‌المللی به خود اختصاص داده است. اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاقهای بین‌المللی، حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مربوط به آن و همچنین اعلامیه‌ها و کنوانسیونهای اختصاصی،

● زنان موافق، نه تنها در مراکز پشتیبانی از جبهه‌های جنگ، بلکه در امر اعزام شوهران و فرزندان خود به جبهه‌ها، نقشهای گوناگون داشتند که در مجموع بر میزان مداخله مؤثر و مشارکت وسیع آنها در جنگ و به تبع آن در سیاستهای رسمی افزوده است.

توجه به حقوق زن رابه خوبی نمایان می‌سازد، به نحوی که قاطعانه می‌توان گفت حضور سیاسی زن در اسناد حقوق بشر کاملاً تثبیت شده است.

مطالعات همه‌جانبه جهانی، این حقیقت را آشکار می‌سازد که زنان حقوق از دست رفته‌ای دارند و باید سعی وافر مبذول شود تا این حقوق احیا گردد. جوامع برای تدوین قواعد حقوقی شایسته و حضور مؤثر در مجموعه جهانی، ناگزیر هستند از سنتها، خرافات زدایی کنند و به احترام امضا و تأییدی که غالباً زیر مقاوله‌نامه‌های بین‌المللی، میثاقها و اعلامیه‌ها برجا گذاشته‌اند، متناسب با موازین بین‌المللی به اصلاح وضع موجود زنان بپردازند. تثبیت حقوق زن در اسناد حقوق بشر، امکانات وسیع و فرصتهای مناسبی در اختیار زنان متفکر ایرانی قرار می‌دهد تا بتوانند به توضیح منطقی حقوق زن بپردازند. از یاد نمی‌بریم که آنان در مطالبات حقوقی خود می‌توانند به اسناد حقوق بشر که به امضای ایران رسیده است و همچنین عضویت ایران در سازمان ملل متحد که ضرورت توجه به مفاد اسناد را در بطن خود دارد، تکیه کنند زیرا صرف عضویت، برای کشورها ایجاد تکلیف می‌کند.

## ۳- حقوق سیاسی زن در قوانین داخلی:

شیوه بررسی این مبحث بدین‌گونه انتخاب شده است که ابتدا حقوق سیاسی زنان بر پایه قوانین داخلی مورد مطالعه قرار گیرد و سپس مشارکت سیاسی زنان در عرصه عمل و اجرا به بحث گذاشته شود:

### الف - حقوق سیاسی زنان:

یکی از پایه‌های دموکراسی، مشارکت همگان در تعیین سرنوشت سیاسی و اداره امور جامعه است و زنان در مجموعه این «همگان» قرار می‌گیرند. ارزیابی موقعیت زنان کشور ما در جریان یک بررسی تطبیقی حقوق بین‌المللی و داخلی چنین خلاصه می‌شود:

#### ● حقوق بین‌المللی:

الف - در مورد حقوق و آزادیهای سیاسی، ماده ۳، کنوانسیون رفع تبعیض از زن، مصوب ۱۹۷۹ میلادی، مجمع عمومی سازمان ملل متحد اعلام می‌دارد: «دولتهای عضو، در تمام زمینه‌ها، خصوصاً در زمینه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، تصمیمات متناسب، من جمله از طریق قانونگذاری را در تأمین کامل توسعه و ترقی زنان، برای اجرا و استیفای هرچه بهتر حقوق بشر و آزادیهای اساسی، براساس تساوی زنان با مردان اتخاذ می‌نمایند.»



ب - مواد ۷ و ۸ کنوانسیون از دولتهای عضو خواسته است که برای رفع تبعیض نسبت به زنان در شئون اجتماعی و سیاسی، به ویژه در امور ذیل اقدام نمایند:

۱- حق رأی دادن در تمام انتخابات و در تمام همه‌پرسیهای عمومی و حق انتخاب شدن در تمام سازمانهایی که از طریق انتخابات عمومی به وجود می‌آیند.

۲- حق مشارکت در برنامه‌ریزیهای سیاسی دولت و اجرای آن، تصدی مشاغل عمومی و انجام کارهای عمومی و حکومتی در تمام مقاطع.

۳- حق مشارکت در سازمانها و مؤسسات غیرحکومتی (احزاب) و پرداختن به امور عمومی و سیاسی.

۴- امکان نمایندگی دولت متبوع در سطوح بین‌المللی و مشارکت در کارهای سازمانهای بین‌المللی.

#### ● حقوق داخلی:

حقوق سیاسی زنان ایران در قوانین داخلی بدین شرح است:

### الف - حقوق و آزادیهای سیاسی:

۱- «مشارکت عامه مردم (اعم از زن و مرد) در تعیین سرنوشت



فرهنگی و دیدگاهی آماده سازند.

ب - موانع موجود در برابری حقوق:

- موانع فرهنگی: دیدگاه سنتی مخالف با تساوی زن و مرد، سرسختانه در مواضع کهن خود باقی مانده و هنوز از مفاهیم خرافاتی فاصله نگرفته است. این دیدگاه که نقش حضور و مشارکت وسیع زنان را در مرحله پدیداری و نهادینه شدن انقلاب به چشم دیده است، ضمن ابراز هراس از افزایش حضور زنان و تأکید بر جداسازیها، دایماً در این اندیشه است که آنان را از مشارکت در امور سیاسی پس براند. این مانع که در همه جوامع، حتی در آخرین سالهای قرن بیستم، کم و بیش فعال است، در ایران نیز تدوین برنامه‌های جامع و کامل در جهت محرومیت‌زدایی و تأمین حقوق و تدارک آمادگی برای حضور مؤثر زنان در مدیریت سیاسی کشور را بسیار دشوار ساخته است.

- موانع دیدگاهی: دین که مبتنی بر منبع وحی الهی است، در مرحله اجرا، در دست افراد قرار می‌گیرد. در بُعد الهی، آنچه که مربوط به مسلمات و محکومات دین است، قابل تغییر نمی‌باشد اما در بخش فقه، امکان اجتهاد وجود دارد. قسمت اخیر، براساس تحولات و دگرگونیهای اجتماعی، انعطاف‌پذیر است.

ب: مشارکت سیاسی زنان

● قوه مقننه:

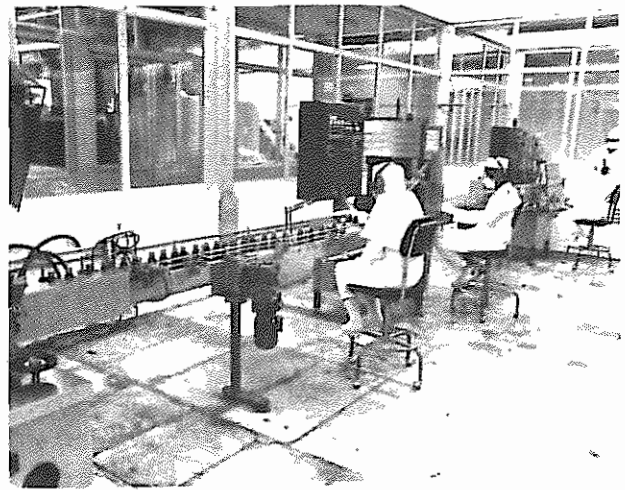
الف - مجلس خبرگان: به موجب اصل ۱۰۷ قانون اساسی، امر تعیین رهبر برعهده خبرگان منتخب مردم است. قانون انتخابات تعداد و شرایط خبرگان را تصریح کرده است که خبرگان منتخب مردم باید دارای شرایط زیر باشند:

«الف) اشتهار به دیانت و وثوق و شایستگی اخلاقی.

ب) اجتهاد در حدی که قدرت استنباط بعضی مسائل فقهی را داشته باشند.»

بنابراین در شرایط انتخاب خبرگان، نابرابری بر مبنای جنسیت مشاهده نمی‌شود. با این حال در جمع ۷۳ نفر اعضای مجلس خبرگان که در سال ۱۳۵۸ تشکیل شد، فقط یک زن عضویت داشت.

ب - مجلس شورای اسلامی: مجلس شورای اسلامی تاکنون چهار دوره قانونگذاری داشته است که جامعه زنان در جریان انتخابات به عنوان رأی‌دهنده حضور داشته‌اند اما میزان حضور آنها در جایگاه نماینده مجلس اندک بوده و هست. در سه دوره از



سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش» (اصل ۳ و ۸ قانون اساسی).

۲- حاکمیت انسانها (اعم از زن و مرد) در تعیین سرنوشت اجتماعی خویش (اصل ۵۶).

ب - حقوق انتخاباتی:

۱- اداره امور کشور به اتکای آرای عمومی (زن و مرد) از طریق انتخابات و همه‌پرسی (اصل ۶ قانون اساسی و قوانین انتخابات و همه‌پرسی)

۲- حق انتخاب شدن (زنان و مردان) به نمایندگی مجلس شورای اسلامی و عضویت در شوراهای اسلامی محلی (مواد ۳۰ تا ۳۲ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی و ماده ۲۴ قانون تشکیلات شوراهای اسلامی)

ج - مناصب سیاسی:

۱- مرد بودن، براساس موازین فقهی، شرط لازم برای تصدی مقام رهبری است.

۲- رئیس جمهور از میان رجال (مردان) سیاسی و مذهبی انتخاب می‌شود (اصل ۱۱۵ قانون اساسی)

در قوانین مربوط به سایر مناصب سیاسی نظیر وزارت و استانداری، شرط جنسیت وجود ندارد اما عملاً این مناصب سیاسی در اختیار زنان نیست زیرا دیدگاهها و سلیق شخصی بعضی مدیران سیاسی جامعه، مخالف تصدی این مناصب توسط زنان است. در قانون اساسی هم به شرایط احراز وزارت اشاره‌ای نشده است.

● نتیجه‌گیری:

الف: مطابقتهای حقوقی:

در یک نتیجه‌گیری کلی می‌توان اعلام کرد در مواردی هم که حقوق داخلی با استانداردهای بین‌المللی مطابقت دارد، این تجانس و تطابق بعضاً قربانی برخی موانع اجرایی می‌شود که طبعاً برداشتهای سیاسی در پی دارد. بعضی کارگزاران و دست‌اندرکاران امور با به کارگیری سلیقه‌های شخصی، اصل حاکمیت قانون را تحت‌الشعاع قرار می‌دهند که تبعات ناخجسته‌ای به دنبال دارد. زنان متفکر باید با برخورد و تلاش منطقی، با این آسیب اجتماعی مبارزه کنند. زنان باید از یک سو از حکومت بخواهند تا در اجرای صحیح قوانین اهتمام ورزند و از سوی دیگر زمینه را برای رفع موانع اجرایی حقوق زن از حیث



ب) مناصب میانی: در این مناصب تنها ردپایی از حضور ضعیف زنان در مشاغل مدیریت مشاهده می‌شود.

ج) مناصب اداری: در این بخش زنان حضور چشمگیر دارند و درصد قابل توجهی از مشاغل اداری در اختیار آنهاست.

● قوه قضائیه:

الف) مدیریت در سطوح بالا: زنان عملاً در پستهای مدیریت در سطوح بالای قوه قضائیه غایب هستند. در این مشاغل علاوه بر موانع قانونی که ممکن است اساس این غیبت شناخته شود، به لحاظ آنکه هنوز فضای قوه قضائیه به تریبی است که علی‌رغم برخی از تسهیلات قانونی، محدودیتهای شرعی برای زنان قابل هستند، آنها در مشاغل حساس پذیرفته نمی‌شوند.

ب) قضاوت: برپایه نظراتی که در جمهوری اسلامی درباره انطباق یا عدم انطباق قوانین و مقررات با موازین شرعی وجود دارد، زنان از حق قضاوت محروم هستند. بنابراین در قوانین ایران مرد بودن یکی از شرایط احراز شغل قضاوت است و زنان بر مسند قضاوت، در جایگاه قاضی انشاکنده رأی ننشسته‌اند، هرچند در زمینه قضاوت زنان نظرات موافقی هم وجود دارد. اخیراً قوانینی به تصویب رسیده است که به زنان اجازه می‌دهد در سمت مشاور قضایی خدمت کنند.

ج) خدمات حقوقی: زنان در زمینه وکالت دادگستری، حضوری وسیع و فزاینده دارند. برای احراز این مشاغل توسط زنان، مانع قانونی وجود ندارد. البته در پاره‌ای موارد، استفاده از خدمات حقوقی زنان در بخش دولتی کمتر مورد تقاضا قرار می‌گیرد زیرا مشاوره حقوقی نوعی فضای خصوصی برای بحث و مذاکره با مدیران را می‌طلبد که چون مدیران در سطوح دولتی عموماً مرد هستند؛ این‌گونه همزیستی با سنتهای رایج در تعارض است.

● مطبوعات

نظر به اینکه مداخله مطبوعات در سیاست امری اجتناب‌ناپذیر است، میزان مشارکت زنان در مطبوعات نیز در ارزیابی حضور سیاسی آنها در امور واجد اهمیت است. اصولاً در ایران برای مشارکت زنان در نقشهای مطبوعاتی، ممنوعیت قانونی و فقهی نمی‌شناسیم. در شرایط اعطای امتیاز و تفویض سمت مدیر مسئول و استفاده از خدمات نویسندگی و امور فنی و ویراستاری و سایر مشاغل مطبوعاتی، نابرابری بر مبنای جنسیت وجود ندارد اما در عمل، نقش زنان در مقایسه با مردان در مطبوعات کشور ضعیف است. در امر



قانونگذاری، از ۲۷۰ نماینده مجلس، چهار نفر زن بوده‌اند. در چهارمین دوره، تعداد زنان نماینده به نه نفر رسیده است.

ج - نحوه برخورد زنان نماینده با امر قانونگذاری: این بخش از فعالیت زنان نماینده در مجلس شورای اسلامی به دو صورت قابل ارزیابی است:

۱- در جریان تصویب قوانین به نفع زنان و پیشنهاد طرحهای قانونی در جهت تأمین حقوق زنان، اعضای مؤنث مجلس شورای اسلامی در چهار دوره قانونگذاری فعال بوده‌اند و درباره مسائل زنان، ضمن بحث و مذاکره در مجلس شورای اسلامی، در حد توان به تغییر و تعدیل دیدگاههای نمایندگان مرد علاقه‌مندی نشان داده و صرف وقت کرده‌اند. از آن جمله تلاش پیگیر آنها برای تصویب طرح اصلاح قانون اعزام دانشجوی به خارج از کشور، مصوب ۱۳۶۴ و الحاق سه تبصره به آن به نحوی که اعزام زنان مجرد برای گذراندن مقطع دکترا در رشته‌های غیرعلوم انسانی، با داشتن ۲۸ سال سن میسر گردد که تا حال با شکست مواجه شده است و طرح الحاق یک تبصره به ماده ۴۲ آیین‌نامه داخلی مجلس برای ایجاد کمیسیون ویژه امور زنان که در شور اول مجلس رد شده است.

زنان نماینده در سایر موارد برای تصویب لوایح ناظر بر امور خانواده فعالیت داشته‌اند و در جلسات مربوطه از خود صبر و حوصله نشان داده‌اند. بنابراین آنها با وجود مشارکت ضعیف در امر قانونگذاری به لحاظ کمی، در امر توجه نسبت به مشکلات خاص زنان نقش دارند.

۲- در جریان قانونگذاری در سایر امور، زنان نماینده در مذاکرات بحث‌انگیز راجع به مسائل کلی، کمتر حضور خود را مطرح کرده‌اند.

● قوه مجریه

الف) مناصب عالی: زنان اساساً در مناصب عالی مشاهده نمی‌شوند. به نحوی که در بخش حقوق سیاسی توضیح داده شد، این غیبت ناشی از تصریح کلمات «رجال سیاسی» در شرایط انتخاب ریاست جمهور است که طبعاً در تفویض سایر مناصب عالی به زنان ایجاد مانع کرده است. استثنائاً یک منصب عالی به عنوان مشاور امور زنان به زنان اختصاص یافته که در میزان مشارکت در این مناصب تغییر قابل ذکری نمی‌دهد و همچنان باید پذیرفت که مشارکت زنان در بخش مناصب عالی در قوه مجریه منفی است.



● زنان نماینده برای تصویب لوایح ناظر بر امور خانواده فعالیت داشته‌اند و در جلسات مربوطه از خود صبر و حوصله نشان داده‌اند و در امر توجه نسبت به مشکلات خاص زنان نقش دارند.



حساس و مهم سرمقاله‌نویسی، مقاله‌نویسی و شرکت در بحثهای سیاسی، جای زنان در مطبوعات کشور بسی خالی است. این غیبت که به هیچ وجه ناشی از موانع قانونی و فقهی نیست، بدون شک حاکی از آن است که زنان هنوز به اهمیت حضور سازمان یافته خود در ارکان و نهادهای سیاسی کشور پی نبرده‌اند و از امکانات موجود بهره‌برداری کامل نمی‌کنند.

#### ● ادبیات و هنر

زنان در خلق آثار ادبی و هنری مشارکت دارند و در این عرصه با عشق و علاقه حضور می‌یابند. آثار ادبی آنها به صورت شعر، قصه و ترجمه کتب که دارای درونمایه اجتماعی است، این نحوه از مشارکت را گزارش می‌دهد. آنها با خلق آثاری که در شکل ظاهری نمایانگر ایفای نقشهای فرهنگی است، ضمن ابراز تأثرات درونی که ناشی از نابرابریهای جنسیتی است، با موانع رشد زن، درگیری ذهنی گسترده‌ای دارند.

#### ● احزاب

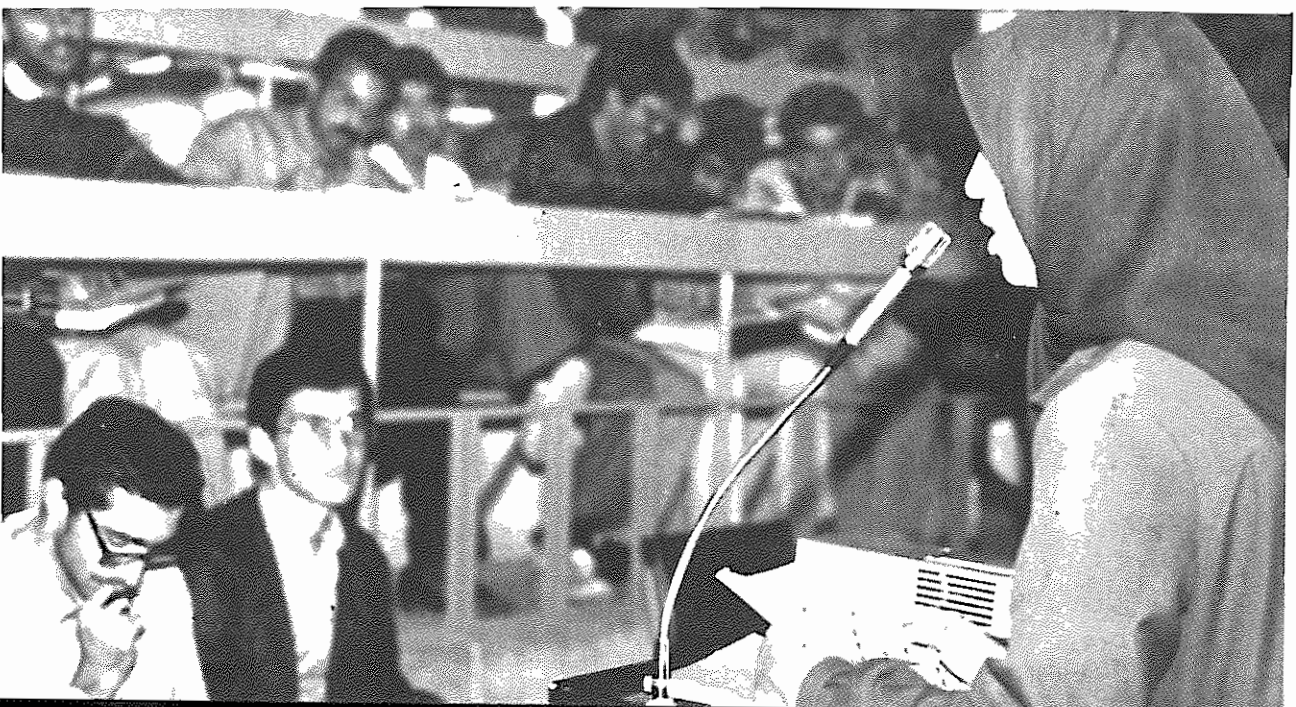
اساساً تشکل در جمهوری اسلامی مقید به چند قید است (اصل ۲۶ قانون اساسی). با قبول این دو قیود که فارغ از شرط جنسیتی است، زنان هم می‌توانند مانند مردان اقدام به تأسیس حزب کنند. نظر به اینکه در ایران امروز حزب وجود ندارد و تاکنون از اعطای امتیاز برای تأسیس حزب، به هر دلیل امساک شده است؛ لذا این امساک زنان را مانند مردان در برمی‌گیرد و در نتیجه زنان فاقد تشکلهای حزبی هستند.

وجود برخی انجمنها و گروههای غیرسیاسی و شبه‌سیاسی که در امر زنان فعال است، تشکلهای قانونی را در سطح انجمن و جمعیت محدود می‌سازد.

#### ● جنگ

جنگ به عنوان رویدادی که با سیاست رابطه تنگاتنگی دارد، محکی است برای بررسی حضور و مشارکت زنان در امور مهم

سیاسی. مثلاً فعالیت مستمر زنان در امور پشتیبانی جنگ ایران و عراق که هشت سال به طول انجامید، حکایت از اشتغال فکری - سیاسی زنان داشته است. کما اینکه مخالفان نظام، هر نوع مشارکت در جنگ را تقبیح می‌کردند و به عکس موافقان نظام بر ضرورت این پشتیبانی تأکید می‌ورزیدند. هر دو در عمل در اعلام سلیقه‌های سیاسی، فعال بوده‌اند اما زنان موافق، نه تنها در مراکز پشتیبانی از جبهه‌ها، بلکه در امر اعزام شوهران و فرزندان خود به جبهه‌ها نقشهای گوناگون ایفا کردند که در مجموع بر میزان مداخله مؤثر و مشارکت وسیع آنها در جنگ و به تبع آن در سیاستهای رسمی افزوده است. در نتیجه این زنان



خود را بیش از گذشته صاحب حق می‌دانند و درباره کاستیهای حقوقی خود کنجکاو شده‌اند و به طرح پرسشهای اساسی در این زمینه می‌پردازند. آنان نیروی سیاسی پراکنده‌ای را تشکیل می‌دهند که باید جدی گرفته شوند.

### ◀ ارزیابی و نتیجه‌گیری کلی:

از شکلهای حضور زن و آثار سیاسی مترتب بر آن در عصر جدید، دو نتیجه‌گیری عمده حاصل می‌شود:

#### ۱- توجه زمامداران به حقوق زنان:

به طور کلی حقوق زن به یک موضوع سیاسی قابل توجه تبدیل شده است و مدیران سیاسی غالباً به این نتیجه رسیده‌اند که باید آن را در محاسبات خود وارد کنند. زمامداران حساسیت موضوع را درک کرده و دریافته‌اند که باید به هر ترتیب «حقوق زن» را سروسامان بخشند. مضمون کلی گفتار آنها چنین است: «امروز زنان در سطوح بالای سیاسی و فرهنگی چون مجلس، دانشگاهها و مدیریتهای حضور جدی دارند اما اگر با زبان آمار بسنجیم، باید اظهار نارضایتی کنیم، زیرا هنوز نتوانسته‌اند به میزان مطلوب دست یابند.»

آنچه مسلم است دولت در تدوین و اجرای برنامه‌های سیاسی متناسب با واقعیتهای جامعه همواره با برخی عوامل بازدارنده روبه‌رو بوده است. این امر زمامداران را به پاره‌ای چاره‌جوییهای هماهنگ با نیازهای زمان برانگیخته است. در این زمینه می‌توان تأسیس «مجمع تشخیص مصلحت نظام» را شاهد آورد. موضوع حقوق زن که در جامعه کنونی ایران با کاستیهای روبه‌روست، از جمله مصلحتهای نظام به شمار می‌آید که دولت باید برای رفع آنها اقدام نماید. لذا کوشش بر این است که برای نزدیک شدن به موازین بین‌المللی، لوایح و طرحهایی به تصویب مجمع تشخیص مصلحت نظام برسد. شاهد این موضوع برخی مصوباتی که اخیراً دولت تصویب کرده است مثل قانون اصلاح مقررات طلاق، مصوب سال ۱۳۷۱ است. با این حال هنوز بازنگری و تجدید نظر در قوانین، به قصد تأمین حقوق زن به طور جدی آغاز نشده است.

از طرف دیگر در ایران امروز، محافل رسمی بر حضور زن در امور، برای دستیابی به توسعه اجتماعی و اقتصادی و تأکید بر اشتغال زنان در سطوح اداری و اخیراً میانی مشاغل در قوه مجریه تأکید می‌وروند. ایجاد دفتر امور زنان در نهاد ریاست جمهوری و تشکیل کمیسیونهای بانوان در استانداریها و نظایر آن، بازتابی است از این تأکید و توجه که هنوز ثمرات موردانتظار از آن به دست نیامده است.

#### ۲- توجه مخالفان به حقوق زنان:

مداخله و موضع‌گیری زنان در امور سیاسی چنان بوده است که مخالفان نظام جمهوری اسلامی در داخل و خارج از کشور، ضمن تبلیغات وسیع سیاسی بر موضوع محرومیت‌زدایی از زنان به شدت تأکید می‌ورزند.

در مجموع، دستیابی به چنین نتایجی از جانب موافقان و مخالفان، نشانه بارزی است از اینکه زنان ایران نتوانسته‌اند طی ۱۵ سال زندگی پرحادثه در عصر جدید به همگان بقبولانند که بدون برخورداری از پشتیبانی زنان، نمی‌توان در ایران امروز حکومتی موفق داشت ■



مانتو سرای

خاتم

میدان هفتم‌تیر  
جنب مسجدالجواد  
تلفن: ۸۳۲۵۸۵

آموزش گریم و خود آرایشی،  
ترمیم ابرو و آرایش دائم،  
کلیه خدمات پوستی و تقویت مو،  
برطرف کردن موهای صورت،  
کلیه امور آرایشی و آرایش عروس  
لاغری و تنظیم سایز در

کانون زیبایی باران

تلفن: ۸۶۶۸۹۶

• با اشتراک «زنان»، تداوم حیات  
مجله خود را تضمین کنید.

# شمارش

آرامی هستم. شوهرم این را می‌گوید. می‌دانم برای انجام کارش به آرامش نیاز دارد:

محلّه آرام، خانه آرام، زن آرام.

موها به شکل طبیعی بین شصت تا صدتا در روز پایین می‌آیند. دکتر می‌گوید: «خوب بخور و خوب بخواب». برای اینکه خوابم ببرد، ستاره‌ها را شماره می‌کنم:

- یک ستاره، دو ستاره، سه ستاره، ...

چشمم روی میز به موهای ردیف شده می‌افتد و شمارش را ادامه می‌دهم:

- چهارمو، پنج مو، شش مو، ...

پریروز دوستی به شوخی گفت: «کف سرت اتوبان کشتی کرده‌ای؟» راست می‌گفت، موهای ریخته، فرق سر را باز و بازتر نشان می‌دهند. شوهرم خیلی خندید. مدتها بود که خنده‌اش را ندیده بودم. من هم از خنده او به خنده افتادم و خیلی خندیدم، با این حال آن شب صدوچهل و پنج موی مرده را شمارش کردم.

اصلاً دیگر موهایم را نمی‌شمارم. تصمیمم را گرفته‌ام. از جا بلند می‌شوم تا دوری در خانه بزنم. شوهرم سخت مشغول کار است. کلمات با چه سرعتی از نوک قلمش سرازیرند. به او نزدیک می‌شوم. می‌خواهم دستی به موهای مجعدش بکشم. اما می‌ترسم کلمات وحشت کنند و از ذهنش بگریزند. مدتی همان طور کنارش می‌ایستم اما او اصلاً توجهی ندارد. خودش می‌گوید: «وقتی کار می‌کنم، ذهنم جای دیگری است.» جلوی آینه برمی‌گردم. می‌خواهم دست کنم و تمام موهای روی میز را دور بریزم. اما این کار را نمی‌کنم. شمارششان سرگرم می‌کند و ذهنم را جای دیگری می‌برد.

- صدوچهل، صدوپنجاه، صدو...

روی صندلی می‌نشینم، شانه را برمی‌دارم و موهایم را شانه می‌زنم. مثل شب سیاه و مثل خواب کوتا‌ه‌ند. شانه که به انتهای مو می‌رسد از نو شروع می‌کنم: از بالا به پایین، از عقب به جلو، یکبار، ده‌بار، صدبار. این بهترین راه است. دکتر گفته که باید شبی صدبار موهایم را با شدت شانه بزنم تا خون زیر پوست به جریان بیفتد. شاید ریزش بند بیاید. اما موهایم بیشتر کنده می‌شوند. آن وقت آنها را ردیف روی میز آرایشم به خط می‌کنم و می‌شمارم. خسته می‌شوم. شمارش را رها می‌کنم. دکتر می‌گوید باید شماره کردن را کنار بگذارم، چون این کار بیشتر آزارم می‌دهد و تعداد آنها را بالا می‌برد. هر شب بیشتر از شب پیش.

- صد، صد و ده، صدویست، صدو...

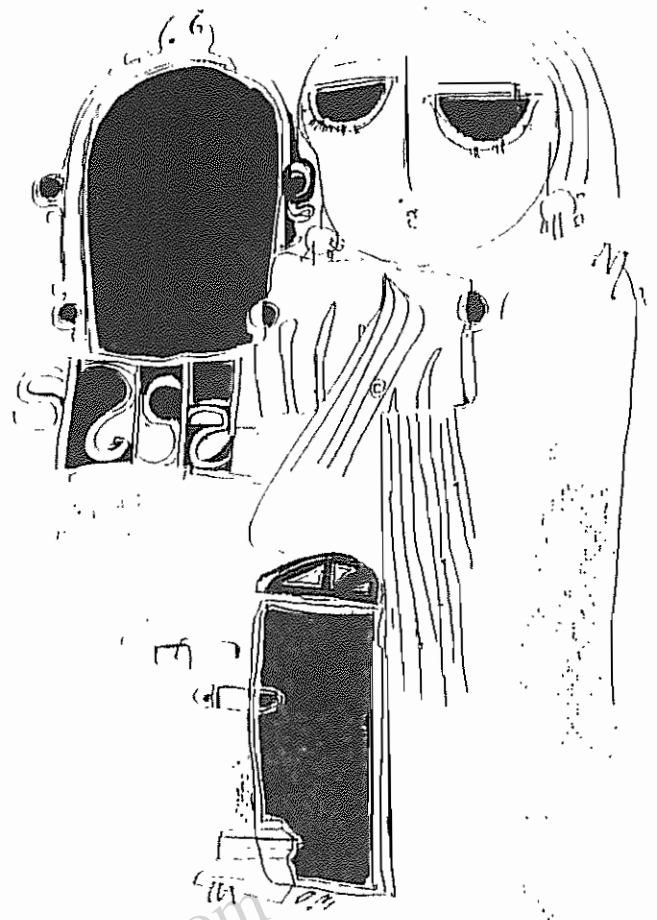
اما نمی‌توانم از آنها چشم بردارم، تعداد موهای مرده می‌گویند که آن روز چطور گذشته. اگر زیاد باشند، یعنی روز سختی گذشته و اگر روز سختی گذشته باشد، حتماً تعدادشان زیاد است.

در آینه شوهرم را می‌بینم: به طرف میز کارش می‌رود، پشت آن می‌نشیند، قلم را برمی‌دارد و کاغذ را جلو می‌کشد. چقدر کارش را دوست دارد! می‌دانم. من هم او را خیلی دوست دارم، اما مطمئن نیستم بداند. دهان باز می‌کنم تا یک بار دیگر به او بگویم. صدا در گلویم می‌پیچد، اما بیرون نمی‌آید. شاید هم می‌آید اما شوهرم نمی‌شنود. یک بار دیگر امتحان می‌کنم، دهانم را باز می‌کنم. اما زود پشیمان می‌شوم و شانه زدن را از سر می‌گیرم.

- صدویست، صدوسی، صدو...

ریزش مو هشتاد و هفت علت، شاید هم هفتاد و هشت علت دارد که فقط چندتایی از آنها شناخته شده‌اند: کمبود مواد غذایی، بیماریهای میکروبی، پایین آمدن ناگهانی وزن و ناراحتیهای عصبی. اما من آدم





موهای مرده مرا به یاد آدمهای مرده، آدمهای مرده مرا به یاد مادرهای مرده و مادرهای مرده مرا به یاد مادرم می اندازند که هنوز نمرده است. اما حالا مدتهاست که پا به خانه ما نگذاشته و من چقدر دلم بر بی او تنگ شده است.

صدای ناله صندلی که بلند می شود یکدفعه به خود می آیم. فوری اشکهایم را پاک می کنم. می دانم شوهرم از گریه بدش می آید. اصلاً همه هنرمندها همین طورند. آدمهای حساسی اند که کوچکترین چیزی ناراحتشان می کند و از آن آزرده می شوند. این را شوهرم می گوید و من باور می کنم. اصلاً او هر چه بگیرد من باور می کنم. این را مادرم می گوید. قبل از اینکه فرصت کنم و به خودم سروسامانی بدهم، یا حداقل موهای چیده شده روی میز را جمع و جور کنم، می بینم شوهرم بالای سرم ایستاده. شانه آرام از میان انگشتهایم سر می خورد و جلوی پایم به زمین می افتد. خدا را شکر او متوجه چیزی نمی شود. می پرسم: «شیری یا شکار؟» جوابم را نمی دهد، فقط لبخندی می زند. می دانم شیر است. او همیشه شیر است. برای لحظه ای دستم را میان دستهایم می گیرد و بعد روی تخت دراز می کشد. مدتی بعد وقتی از جایش بلند می شود، من باز هم خسته و مانده، گوشه تخت مچاله شده ام و با چشمهای بسته، خش خش دمپایهایم را دنبال می کنم. لحظه ای کنار میز آرایش می ایستد. این بار موهایم را می بیند. نیم نگاهی به من می اندازد. پوزخندی می زند و می گذرد. به مرده خندیدن سنگدلی می خواهد، با این حال شاعر است. چند لحظه بعد صدای سیفون بلند می شود و من بار دیگر شانه را محکم میان انگشتهایم می فشارم:

— صدوشصت، صدو هفتاد، صدو ... ■

## دومین دوره «زنان» (شماره های ۱۰ تا ۱۵) با جلد زرکوب منتشر شد.

علاقه مندان می توانند برای هر یک از دوره های اول و دوم زنان (شماره های ۱ تا ۱۵) مبلغ ۱۳۰۰۰ ریال به حساب جاری شماره ۱۹۷۰ بانک ملی ایران شعبه سمیه به نام مجله «زنان» (قابل پرداخت در شعب بانک ملی در سراسر کشور) واریز و کپی رسید را همراه با آدرس دقیق و کدپستی خود، به آدرس تهران، صندوق پستی ۵۵۶۳ - ۱۵۸۷۵ ارسال فرمایند.

## هزینه ارسال با پست سفارشی بر عهده «زنان» است.